

چتر دانستن، بودن و انجام دادن در کتاب اندیشه اسلامی

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

مهدی ترتیفی^۱

چکیده

هدف: هدف این مقاله، بررسی سه مفهوم مهم در محتوای آموزشی، شامل دانستن (Know)، مهارت (Do) و بودن (Be) و تطبیق آنها بر کتاب اندیشه اسلامی ۱، تألیف مهدی ترتیفی، به منظور تبیین مباحث نوین آموزشی مرتبط با درسهای معارف اسلامی در دانشگاهها بود. در آموزش تلفیقی، بررسی این سه با عنوان اختصاری چتر KDB انجام گرفته است. **روش:** در این مقاله با انجام پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی، تبیینی و میان‌رشته‌ای، نیازهای محتوای آموزشی، برای رسیدن به استانداردهای مد نظر در آموزش تلفیقی و به ویژه چتر KDB بیان شده است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه مد نظر در این مقاله، پاسخ به سه پرسش مهم ذیل در تدوین محتوای آموزشی و تطبیق آن بر کتاب درسی اندیشه اسلامی ۱ است: یادگیرندگان چه چیزی را باید بدانند، چه چیزی انجام دهند و چگونه افرادی باشند؟ از آنجا که پاسخ به این پرسشها یکی از دغدغه‌های متخصصان تدوین برنامه‌های درسی، به خصوص با گرایش آموزش میان‌رشته‌ای است، توجه به آنها باید یکی از الزامات تألیف کتابهای درسی قرار گیرد. گفتنی است که کار تطبیقی انجام گرفته در این مقاله، فاقد پیشینه پژوهشی قابل ذکر است.

واژگان کلیدی: آموزش تلفیقی، استاندارد آموزشی، دانایی، مهارت و شخصیت.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

۱. سطح چهار حوزوی و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز. نشانی: اهواز؛ مرکز شهر، خیابان کرمی خراط، نبش عظیم، پلاک ۸۸ Tartifi.mehdi@gmail.com

الف) مقدمه

یکی از استانداردهای مهم در برنامه‌داری و محتوای آموزشی، وجود همسویی میان دانستی‌ها و اطلاعات ارائه‌شده با مهارت‌های مورد نیاز یادگیرنده است؛ دانستی‌ها و مهارت‌هایی که باید در جهت بودن یا ارزش‌های معینی تدوین شوند. این سه، مثلثی را شکل می‌دهند که در رأس آن، ارزش‌ها و ماهیت انسانی مد نظر و در قاعده آن، مهارت‌ها و دانستی‌ها قرار دارند. در نظر گرفتن این مثلث، از الزامات و استانداردهای تهیه محتوای آموزشی است؛ به این ترتیب که برای تألیف کتاب درسی، اولاً باید بدانیم که می‌خواهیم یادگیرنده به چه سطحی از بودن و ارزش‌ها رهنمون شود؛ ثانیاً مناسب با ماهیت مد نظر، دانستی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در ساختاری مرتبط با یکدیگر تنظیم شوند. امروزه این استاندارد را با چتر KDB^۱ معرفی می‌کنند. کتابهای درسی گروه معارف اسلامی نیز به عنوان محتوای آموزشی مورد نیاز دانشجویان در دانشگاه‌های کشور، باید با لحاظ استانداردهایی از این قبیل بازتدوین شوند. آنچه در این راستا باید مد نظر مؤلفان قرار گیرد، پاسخ به این پرسش‌هاست که یادگیرندگان چه چیزی را باید بدانند، چه چیزی انجام دهند و چگونه افرادی باشند؟ سؤال اصلی در این مقاله این است که در محتوای آموزشی درس اندیشه اسلامی ۱ چگونه باید به این پرسش‌ها توجه کرد! نگارنده در این مقاله بر آن است با تبیین رویکردی که در تألیف کتاب اندیشه اسلامی ۱ اتخاذ کرده است، گامی کوچک در تدوین محتوای آموزشی گروه معارف اسلامی با لحاظ استانداردهای آموزشی از جمله چتر دانستن، مهارت و بودن، برداشته باشد.

ب) تمرکز بر دانستن در اسناد آموزشی

بیشتر اسناد برنامه‌های درسی روی مسئله دانستن و عملکرد (مهارت‌های لازم) تمرکز دارند و در اغلب محتوای آموزشی، از دانستی‌های محض یا دانستی‌های مورد نیاز برای گونه‌ای از بودن^۲ سخن گفته می‌شود. میگر^۳ می‌گوید: «وقتی مری تصمیم گرفت به دانش آموزان چیزی بیاموزد، به انجام دادن فعالیت‌هایی چند ملزم می‌شود تا در کارش موفق شود. نخست، تصمیم‌گیری درباره هدف‌هایی است که در پایان درس یا برنامه قصد رسیدن به آنها را دارد. سپس باید شیوه‌ها، محتوا و روش‌هایی را انتخاب کند که با هدف‌های تعیین شده منطبق باشند و

۱. Know. Do. Be.

۲. بودن به این مسئله می‌پردازد که دانش‌آموزان پس از طی برنامه درسی جدید باید به چه افرادی تبدیل شوند.

۳. رابرت میگر، راهنمای تحقیق در نظام‌های آموزشی مؤسسات تحقیقاتی آمریکا و رئیس مرکز تحقیق بنیاد آموزشی فضایی تعلیم و تربیت است.

موجب شوند دانش آموزان به تعامل با موضوعات مناسبی بپردازند که با اصول یادگیری انطباق دارند و سرانجام، عملکرد دانش آموزان را بر اساس هدفها یا مقاصدی که ابتدا انتخاب شده است، ارزشیابی یا اندازه گیری کنند» (میگر، ۱۳۵۸: ۱). در این دستورالعمل، سه گام برای تولید یک محتوای آموزشی ذکر شده است:

- هدف گذاری؛
 - تعیین شیوه، محتوا و روش برای رسیدن به اهداف؛
 - ارزشیابی عملکرد دانش آموزان.
- بنابراین در گام سوم این دستورالعمل، لزوم جهت گیری محتوای آموزشی به سمت عنصر عملکرد و مهارتها در دانش آموزان، مفروض گرفته شده است.
- طبقه بندی هدفهای تربیتی نیز که توسط بیلر با تذهیب و ویرایش طبقه بندی بلوم ارائه شده است، فهرستی از دانستنیها و مهارتهای لازم را که محتوای آموزشی باید متضمن آنها باشد، ارائه کرده است. توجه خواننده محترم را به این فهرست جلب می کنم:

۱. دانستنیها

دانستنیهای خاص:

- اطلاع از اصطلاحات؛ برای مثال: فعل، اسم، +، -، h20.
- اطلاع از واقعیتهای خاص؛ دانش آموزان چه حقایق خاصی را باید بدانند؟ مثل اسامی استانها یا صادرات مهم ایران.
- اطلاع از راهها و وسایل مقابله با موارد ویژه؛ اطلاع از مقررات، آداب معاشرت و قوانین مربوط به نقطه گذاری.
- اطلاع از روندها و توالیها؛ برای مثال، ماهیت تکامل، تغییرات و نگرشها درباره نقش زنان در جامعه ای که دانش آموز در آن زندگی می کند.
- اطلاع از طبقه بندیها و دسته بندیها؛ برای مثال، انواع ادبیات، انواع مشاغل و مالکیتها و انواع حکومتها.
- اطلاع از معیارها؛ برای مثال، عوامل لازم برای تشخیص ارزش غذایی یک وعده غذا.
- اطلاع از روش شناسی؛ برای مثال، راههای حل مسائل ریاضی یا ترتیب دادن یک آزمایش در شیمی.

- اطلاع از قواعد عمومی و انتزاعات در یک زمینه؛ برای مثال، قوانین وراثت و قوانین حرکت.
- اطلاع از نظریه‌ها و ساخت؛ برای مثال، ماهیت نظام سرمایه‌داری یا نظریه تکامل.

۲. مهارت‌ها و توانایی‌های ذهنی

ادراک:

- برگرداندن: توانایی برگرداندن تفهیم و تفاهم به شکلی دیگر؛ دانش‌آموزان شما به چه نوع برگردانی نیاز دارند؟ برای مثال، بیان مسائل به زبان خودشان، خواندن نتهای موسیقی، برگرداندن لغات و عبارات از زبان خارجی.
- تعبیر و تفسیر: توانایی تنظیم دوباره مفاهیم و درک مناسبات متقابل؛ برای مثال، توانایی تعبیر و تفسیر یک داستان یا شعر.
- برون‌یابی: توانایی در فراتر رفتن از یافته‌های معین؛ برای مثال، نتیجه‌گیری از مجموعه‌های معینی از یافته‌ها، پیش‌بینی روندها.
- کاربرد: توانایی به کار بردن اصول در موقعیتهای واقعی؛ برای مثال، در نظر گرفتن اصول یادگرفته شده در ریاضی و به کار بردن آنها در طرح زمین فوتبال، به کار بردن اصول آزادی‌های مدنی درباره رویدادهای روز.
- تحلیل: توانایی تشخیص و درک روابط و مناسبات متقابل و انجام دادن تحلیل‌های انتقادی؛ برای مثال، بحث در این باره که کمونیسم و دموکراسی با هم چه فرقی دارند.
- ترکیب: توانایی دوباره تنظیم کردن مفاهیم جزء به صورت یک کل جدید؛ چه نوع ترکیبی مورد نیاز دانش‌آموزان شماست؟ برای مثال، طرح‌ریزی یک برنامه یا نوشتن پروژه‌ای کامل در یک زمینه.
- ارزشیابی: توانایی قضاوت بر اساس شواهد درونی یا معیارهای بیرونی؛ ارزشیابی مورد نیاز دانش‌آموز شما چیست؟ (بیلر، ۱۳۶۹: ۳۰۵-۳۰۲)

در این اسناد، بیشتر روی دانستن و در نهایت، ارزیابی نتایج عملکردی دانش‌آموز تأکید شده و روش تبدیل دانسته‌ها به عملکردی خاص و همچنین عنصر بودن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، در مجموعه‌ها و محتواهای آموزشی به چگونگی دستیابی به مهارت‌ها و همچنین چگونه بودن، به اندازه کافی پرداخته نشده است. پروفیسور ام. دریک

درباره این کاستی در محتوای آموزشی می‌گوید: «بیشتر اسناد برنامه درسی روی این موضوع تمرکز کرده‌اند که دانش آموز برای اینکه به یک شهروند مفید در جامعه دمکراتیک تبدیل شود، باید چه چیزی بداند و به چه مهارتی مجهز باشد. با این وجود، کمتر درباره اینکه ما چگونه می‌خواهیم این دانش آموزان به شهروندان مفید تبدیل شوند، بحث شده است. کدام نگرشها، باورها و رفتار مطلوب هستند؟» (دریک، ۱۳۹۴: ۸۱)

مشکل بزرگ‌تر درباره بخش بودن این است که در میان متخصصان تعلیم و تربیت غربی، گروهی درباره گنجاندن این بخش در برنامه درسی تردید دارند (همان). ضمن اینکه در میان موافقان بودن آن نیز، در اینکه چه ارزشی باید تدریس شود، اختلاف وجود دارد. (همان: ۱۰۶)

مسئله پرداختن صرف به دانستی‌ها و عدم توجه به چگونگی تبدیل این دانسته‌ها به مهارت و همچنین بی‌توجهی به شخصیتی که می‌خواهیم یادگیرنده در انتهای دوره آموزشی به آن دست یابد، در محتوای آموزشی کشور ایران و از جمله در کتابهای گروه معارف اسلامی دانشگاهها، به وضوح قابل مشاهده است. سرفصلهای ذیل که به صورت سنتی برای درس اندیشه اسلامی ۱ پیشنهاد می‌شود، نمونه‌ای برای این موضوع است:

- دلایل اثبات وجود خدا؛
- معرفی صفات خداوند؛
- بررسی مسئله اختیار انسان؛
- بررسی مسئله شرور از زاویه ارتباطش با صفات رحمت، عدالت و حکمت خداوند؛
- معاد و زندگی پس از مرگ.

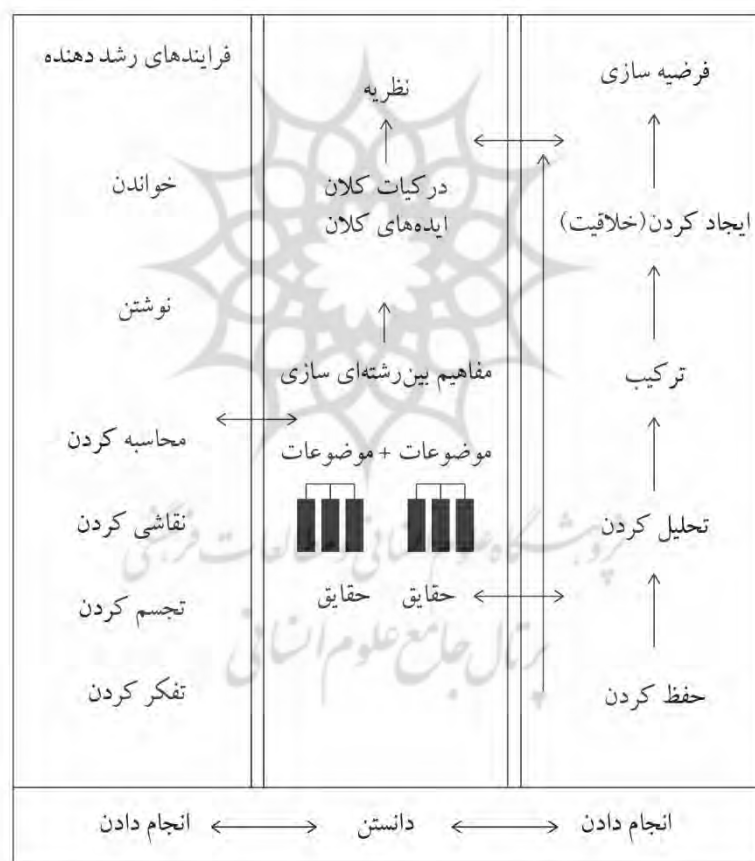
همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این محتواها همگی در ارتباط با دانایی و دانستن‌اند؛ اما ارتباط چندانی با عملکرد (مهارتها) و بودن (هویت) انسان ندارند.

ج) تجربه‌های نوین آموزشی در خدمت مهارت و شخصیت

برای رفع کاستی‌های موجود درباره مهارتها و همچنین مسئله بودن، باید از تجربه‌های نوین آموزشی در امر برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای آموزشی بهره جست. پروفیسور ام. دریک برای رفع این نقصان در برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی، به ایجاد ارتباط میان سه موضوع دانستن، عملکرد و بودن مبادرت کرده و آنها را زیر چتری به نام KDB قرار داده است (دریک، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۸۱). وی معتقد است: «دانستن (Know) جدای از انجام دادن (Do) نیست. ... بی‌شک، «انجام دادن» تحت تأثیر «بودن» قرار دارد. ما نمی‌توانیم بدون وجود یک نظام ارزشی، فعالیت‌های خاصی را انجام دهیم. ... امروزه دانش آموزان ما باید به شهروندانی

جهانی تبدیل شوند. آنها برای ایفای این نقش به مهارت‌های سطح بالایی همچون توانایی درک و بررسی دیدگاه‌های فرهنگی مختلف و توانایی پرداختن به موضوعات در زبانهای مختلف نیاز دارند و آنچه مشخص می‌کند چه چیزی ارزش دانستن دارد، مربوط به محتوا نیست؛ بلکه مستلزم مهارت‌های عملکردی پیچیده است و با این موضوع که ما قصد داریم دانش آموزان در جهان تبدیل به چه افرادی شوند (بودن) ارتباط پیدا می‌کند. (همان: ۹۲-۸۳)

کار شناسایی چتر دانستن، مهارت و بودن از معرفی ساختار دانش و تعامل دو عنصر دانستن و انجام دادن بر اساس جدول پیشنهادی پروفیسور دریک آغاز می‌شود:



بر اساس کار هیلدا تابا، اریکسون (۲۰۰۱) معتقد است که دانش از حقایق^۱ که در انتهای این سلسله مراتب قرار دارد، به سمت مفاهیم رشته‌ای (ایده‌های کلان رشته‌ای)، مفاهیم عام (ایده‌های کلان) و درکیات ضروری (درکیات کلان) در حال حرکت است.^۲ در بالاترین نقطه این سلسله مراتب، نظریه^۳ قرار دارد... طبق نظر اریکسون (۲۰۰۱)، همان‌طور که در ساختار دانش بالاتر می‌رویم، به تبع آن از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر حرکت می‌کنیم؛ یعنی از حفظ کردن به سمت تحلیل، ترکیب، ایجاد کردن (خلاقیت) و فرضیه‌سازی پیش می‌رویم. (دریک، ۱۳۹۴: ۸۳)

با این توضیحات معلوم می‌شود که برای بالا بردن کیفیت یادگیری و بهره‌وری از آموزش، در محتوای آموزشی باید از اشاره به جزئیات فراوان (حقایق) فاصله گرفت و صرفاً حقایقی را که در راستای ایده و درکیات کلان باشند، آموزش داد. در نتیجه، سطوح بالاتری از مهارت رخ خواهد داد. به تعبیر دیگر؛ «مفاهیم کلی و فراگیر یا ایده‌ها و درکیات کلان، مهم‌ترین موضوعاتی‌اند که فرد باید درباره آنها اطلاعات داشته باشد». (همان)

تا اینجا رابطه دانستن و مهارت روشن شد. اما این میانه راه است. نکته مهم این است که



1. Facts

۲. اصطلاح ایده کلان برای اشاره به مفاهیم عام و گسترده در برنامه درسی استفاده می‌شود. درکیات کلان فراتر از ایده‌های کلان است و در سطح بالاتری از دانش، نسبت به آن قرار دارد. اصطلاح درکیات کلان، مترادف با درکیات پایدار است. درک پایدار، دانشی است که مدت‌ها پس از مطالعه یک درس، حتی در سالهای آینده نیز فراموش نمی‌شود و دوام خواهد داشت. (دریک، ۱۳۹۴: ۸۷ نقل از: وگینز و مک‌تای، ۲۰۰۵)

3. Theory

دانستی‌ها و مهارت‌ها تحت تأثیر بودن و چستی مدّ نظر برای یادگیرنده تدوین می‌شوند. در واقع؛ آن ماهیت انسانی و ارزشهای خاصی که قرار است با کمک محتوای آموزشی ما رقم بخورد، تعیین‌کننده نوع دانستی‌ها و مهارتهایی است که در آن گنجانده می‌شود. به عبارت دیگر؛ «تدریس یک برنامه درسی عاری از ارزش، تقریباً غیر ممکن است، مگر اینکه یادگیری پایین‌ترین سطح حقایق مدّ نظر باشد. زمانی که سطوح بالاتری از تفکر مورد توجه قرار گیرد، دانش‌آموزان باید از ارزشها استفاده کنند. یک شخص چگونه می‌تواند بدون وجود برخی پایگاههای ارزشی ارزشیابی کند، به پردازش اطلاعات پردازد، مسئله‌ای را حل کند و از مهارتهای زندگی استفاده کند؟» (همان: ۹۳-۹۲). از این رو، جدول پیش گفته به صورت شکل ذیل تکامل می‌یابد.

حال نقشه راه برای تدوین یک محتوای آموزشی فراهم شده است. ابتدا باید تعیین کنیم که می‌خواهیم یادگیرنده به چه سطحی از بودن برسد و انسان مقصود چیست. سپس، مناسب با ماهیت انسانی مدّ نظر، باید محتوایی را که از دانستی‌ها (شامل ایده‌ها و درکیات کلان و حقایق لازم در جهت آنها) و مهارت‌ها ترکیب یافته، تدوین کنیم.

د) ماهیت انسانی مدّ نظر در محتوای آموزشی اندیشه اسلامی ۱

انسان مدّ نظر نگارنده در کتاب اندیشه اسلامی ۱، عبارت است از حیّ متألّه؛ یعنی موجود زنده‌ای که می‌تواند آئینه تمام‌نمای الهی و تجلی‌گر تمامی اسما و صفات او باشد. قرآن کریم انسان را حیّ متألّه می‌داند؛ یعنی زنده‌ای که حیات او در تأله، یعنی ذوب در ظهور الهیت تجلی دارد و به سوی مظهریت اسمای حسناى حق به پیش می‌رود. هم در بخش نظر به سوی خدا «گزارش» دارد و هم از حیث عمل به سمت خدا «گرایش». (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۷)

تألّه و ذوب در الهیت خدای سبحان، فصل مقومّ و اساس هویت انسان است و بر همین اساس، خلافت تامّ الهی بنا می‌شود. بنابر این، در وجود آدمی باید آثار الهیت تجلی کند و او را در ارانّه اوصاف علمی و عملی صحیح، خلیفه تامّ خدا سازد. پایه و مایه صفات حق (تبارک و تعالی) در بُعد عملی، رحمت رحمانیه و در بُعد نظری، علم و حکمت^۱ است. ... در همین دو بُعد، انسان معصوم خلیفه تامّ خدای سبحان می‌شود و

۱. در ادبیات دینی، جهل در مقابل عقلانیت و رفتارهای عاقلانه قرار گرفته است (اصول کافی، کتاب العقل و الجهل). بنابر این، علم نیز معنایی مشتمل بر حکمت دارد. از این رو، حضرت آیت‌الله جوادی آملی علم و حکمت را در این عبارت بر یکدیگر عطف کرده‌اند. در این مقاله نیز در تمامی موارد استعمال واژه علم، معنایی مشتمل بر حکمت و

چتر دانستن، بودن و انجام دادن در کتاب اندیشه اسلامی ♦ ۲۲۷

مؤمن عالم و عادل در مداری پایین تر از معصوم، به خلافت متوسط بار می یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰)

آدمی مرغ باغ ملکوت است و چند روزی قفسی ساخته اند از بدنش و این خاکدان، آشیانه ای موقت و پلی برای عبور وی از طبیعت به فرا طبیعت است. (همو، ۱۳۸۱: ۳۸)

با این توضیحات، بودن یا ارزشی که بناست یادگیرنده به آن دست یابد، انسانی با ویژگی های ذیل است:

- شخصیت او با دو عنوان کلی رحمت و علم تبیین می شود.
- ایده هایش را با تحلیل و بررسی انتخاب می کند.
- بر اساس اندیشه و دیدگاهش درباره جهان، رفتاری عادلانه، عالمانه و مبتنی بر رحمت و محبت دارد.
- از گذشته درس می گیرد و حال را گنجینه ای برای رقم زدن ابدیتش قرار می دهد.

در کیات کلان در جهت ویژگی های پیش گفته:

- خداوند را آفریدگاری عالم و رحیم برای جهان می داند.
 - هستی جهان را در تمامی لحظات از خدا می داند.
 - موجودیت جهان را ابدی، هماهنگ و بازخورددهنده می داند.
 - رویدادهای خوب و بد زندگی را نتیجه فرایندی عاقلانه می داند.
 - گذشته را آموزگار و زمان حال را گنجینه ای برای رقم زدن ابدیتش می داند.
- عملکرد مد نظر در جهت ویژگی های پیش گفته:
- ارزیابی سخن خدا ناباوران (مهارت تحلیل و بررسی).
 - بررسی صفات خداوند، ارتباط او با جهان هستی و چگونگی ساختار جهان (مهارت های شناختی).
 - عملگرایی مبتنی بر اندیشه خدا و معادباوری (مهارت های عملی).
- با این توضیحات، چتر دانایی، انجام دادن و بودن؛ در ارتباط با کتاب اندیشه اسلامی ۱ به شکل ذیل خواهد بود:



ه) طراحی محتوای آموزشی اندیشه اسلامی ۱ با توجه به چتر دانایی، عملکرد و بودن

در راستای این مهم، نگارنده در کتاب اندیشه اسلامی ۱، به جای بیان وجه نیاز به دین و عرضه براهین متعدد اثبات وجود خداوند و معاد، با در پیش گرفتن مسیری متفاوت، برای آشنایی یادگیرنده با وجود خداوند متعال، ساختار جهان و زندگی ابدی، روند ذیل را در پیش گرفته است:^۱

- تصویری که از خداوند در ذهن یادگیرنده وجود دارد؛ هدف: آموزش مهارت‌های ذهنی تحلیل و ارزشیابی از طریق بیان کاستی‌های این تصورات که

۱. اگرچه هدف اصلی از تدوین این محتوای آموزشی در چارچوب طرح KDB گفته شده، اهداف ضمنی هر بخش از مطالب، به اختصار جلوی آنها ذکر شده است.

- خداوند یک انرژی یا یک احساس است. آموزش این مهارت شناختی که در تحقیقات، ابتدا باید موجود یا موضوع مورد جستجو معین شود.
- نقد برخی دلایل رایج برای اعتقاد به وجود خداوند؛ هدف: آموزش مهارت ذهنی تحلیل.
- لزوم توجه به سخنان خداناباوران؛ هدف: تقویت مهارت ذهنی برون‌یابی.
- بیان نظر دین درباره تحقیق و تفکر برای دستیابی به اعتقاد صحیح؛ هدف: تقویت مهارت ذهنی برون‌یابی.
- بررسی موضوع ارتداد و ارتباط آن با آزادی فکر، انتخاب دین و بیان؛ هدف: تقویت مهارت ذهنی کاربرد.
- بیان افکار، تکیه‌گاه فکری و نگاه خداناباوران به دین با کمک فیلمها و سخنرانی‌های آنها؛^۱ هدف: آموزش مهارت ذهنی تحلیل.
- معرفی^۲ وجود خداوند با روشی ساده و قابل درک برای عموم یادگیرندگان؛ به گونه‌ای که شبهات به وجود آمده در درسهای قبل نیز مرتفع شود.
- تبیین صفات خداوند متعال و چگونگی ارتباط او با جهان هستی.
- توضیح مسئله شرور و ارتباط آن با صفات رحمت، حکمت و عدالت الهی.
- تشریح ارتباط علم خداوند و اختیار انسان.
- بیان ویژگی‌های زندگی ابدی و پشتوانه اعتقاد به آن.
- معرفی سبک زندگی خدا‌باور.

و) نتیجه‌گیری

کار تطبیقی انجام شده در کتاب اندیشه اسلامی ۱ نمونه‌ای از توجه به استانداردهای نوین آموزشی و در نظر گرفتن جنبه‌های مهارتی در جهت ماهیت الهی انسان، در تولید محتوای آموزشی است؛ امری که در جمع معلمان، مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته و فرمودند: «بعضی مطالب در برنامه درسی کنونی، صرفاً محفوظاتی است که بدون هیچ سودی برای حال یا آینده دانش‌آموزان به ذهن آنها سرازیر می‌شود که باید این موارد شناسایی و از

۱. کتاب اندیشه اسلامی ۱ به صورت متن - فیلم تدوین شده است؛ یعنی یادگیرنده برای درک معنای مد نظر، پس از مطالعه هر چند سطر، برشی از یک فیلم را می‌بیند.

۲. نگارنده بر این باور است که وجود خداوند متعال نیازمند اثبات نیست: «قَالَتْ رَسُولُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم: ۱۰)؛ به همین دلیل از واژه معرفی استفاده شده است.

آموزشها حذف شود» (۱۴۰۱/۲/۲۱). ایشان با تأکید بر اختصاص ساعاتی به آموزشهای مهارتی به جای مطالب غیر نافع، فرمودند: «مسائلی همچون سبک زندگی اسلامی، تعاون و همکاری اجتماعی، مطالعه و تحقیق، فعالیتهای جهادی، مبارزه با آسیبهای اجتماعی و نظم و قانون‌گرایی، از جمله مهارتهایی است که باید در مدرسه آموزش داده، و از دوران کودکی و نوجوانی در افراد نهادینه شود». (همان)

برخی از موانع پیش روی این کار عبارتند از:

- نگاه پژوهشی صرف به محتوای آموزشی؛
- توجه بیش از اندازه به محفوظات؛
- عدم توجه به لزوم جهت‌گیری محتوای آموزشی به منظور هویت‌تعریف‌شده برای انسان در قرآن کریم.

برای اصلاح این امور پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران تدوین و معرفی منابع درسی، ضمن توجه به صحت و عمق محتوایی لازم در کتابهای درسی، از نگاه پژوهشی به محتوای این چنینی دست بردارند و ملاکهای ارزیابی خود را در جهت توجه بیشتر به استانداردهای آموزشی مورد نیاز قرار دهند. امید است کتاب تألیف‌شده برای درس اندیشه اسلامی ۱، زمینه‌ساز تحول در کتابهای درسی و از جمله محتوای آموزشی گروه معارف اسلامی در دانشگاهها باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- اصول کافی.
- بیلر، رابرت (۱۳۶۹). کاربرد روان‌شناسی در آموزش، جلد ۱. ترجمه پروین کدیور. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد ۱۴: صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: اسراء، چ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد ۱۵: حیات حقیقی انسان در قرآن. قم: اسراء.
- دریک، سوزان ام (۱۳۹۴). برنامه درسی تلفیقی استاندارد محور. ترجمه سیروس اسدیان. تهران: بال.
- میگر، رابرت اف (۱۳۵۸). تدارک هدفهای آموزشی. ترجمه بهرام زنگنه و محمدحسین شمشیری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.